



گفت و گویا

آل پاچینو

لارنس گرابل

ترجمہ فرزاد فربد

کتاب پنجرہ

که بدانچه جراحتی در آیات قصاید اسم کتدیس برگشته باشد. همچنان که در آن متن نیز مذکور شده است. تا اینجا نیز میتوان این متن را مطالعه کرد. در مجموع مطالعه این متن را میتوان در دو بخش تقسیم کرد. این بخش اول مطالعه میکند که آنچه در متن مذکور شده از این دو بخش کدامیک است. این بخش اول مطالعه میکند که آنچه در متن مذکور شده از این دو بخش کدامیک است.

۱۹۷۹

آشنایی با تو

اولین گفت و گو که روی بیش از چهل ساعت نوار ضبط شد تبدیل به دوهزار صفحه متن شد - کلی حرف برای مردمی که به سکوت و مرموز بودن در مجتمع شهره بود. بعد از جلسه‌ی نهایی مان در آپارتمان اش در نیویورک وقتی ضبط صوت را خاموش کردم پاچینو گفت: «احساس می‌کنم با تو همبازی بوده‌ام. انگار هر دو یک شیرینی فروشی را بلدیم یا یادمان می‌آید که با هم یک شیر آتشنشانی را باز کرده‌ایم. حس خوبی است». لبخند زدم و به تایید سرتکان دادم. من هم دقیقاً چنین حسی داشتم. و فکر می‌کنم قدری از آن حس خوب برابر این گفت و گو تاثیر گذاشته است.

آل پاچینو: راستش، ترجیح می‌دهم الان ضبط صورت را روشن نکنی - تا من کمی گرم بشوم.

● براندو هم اول بی‌میلی نشان می‌داد. می‌خواست حرف بزند، اما بدون ضبط صوت.

○ من را یاد خودم می‌اندازد.

● پس بهتر است روشن‌اش کنیم ولی بهش فکر نکنیم.

○ هرچه تو بگی. نمی‌خواهم بہت بگم کارت را چطور انجام بدی. این کار